

زور قوه به تراستی‌ها می‌رسد؟



حسین فصیحی

دبیر گروه حوادث

مسئله فقط چند پرونده اقتصادی، چند متهم یا چند میلیارد دلار پول و کالا نیست، آنچه در پس این اعداد و پرونده‌ها خودنمایی می‌کند، تصویری نگران‌کننده از ناترازی ساختارهای نظارتی و قانونی در مواجهه با مفسده‌های سازمان‌یافته‌است، ناترازی‌ای که اگر اصلاح نشود، هزینه آن فقط از جیب دولت و بیت‌المال پرداخت نمی‌شود، بلکه اعتماد عمومی، احساس عدالت و حتی آرامش روانی جامعه را بیش از هر زمان دیگری هدف قرار می‌دهد. اعتمادی که در سایه برخورد‌های سست با مفسده‌ها به حد کافی ترک برداشته است. در روزهایی که رئیس قوه قضائیه از تشکیل ۳۵۸ پرونده درباره «تراستی‌ها» و رفع دفع تعهدات ارزی خبر می‌دهد و می‌گوید بیش از ۷ میلیارد یورو رفع تعهد ارزی شده‌است، یک پرسش اساسی همچنان پیش روی افکار عمومی قرار دارد: چگونه چنین حجم عظیمی از منابع می‌تواند برای سال‌ها در اختیار گروهی محدود باقی بماند و سازوکارهای نظارتی نتوانند در زمان مناسب مانع آن شوند؟

اهمیت این پرسش زمانی بیشتر می‌شود که ۶ میلیارد دلار از منابع کشور نزد نظام سلطه مسدود باشد و برای بازگرداندن آن از مسیرهای دیپلماتیک تلاش شود، و هم‌زمان بخش‌هایی از منابع ارزی کشور در اختیار اشخاص و مجموعه‌هایی قرار داشته که درباره بازگشت آنها پرونده قضایی شکل گرفته باشد.

مسئله، مسئله تقاضی است که در ذهن جامعه شکل گرفته‌است. شهروند از خود می‌پرسد چگونه برای آزادسازی منابع کشور در خارج از مرزها، دیپلماسی، مذاکره و رایزنی‌های پیچیده به کار گرفته می‌شود، اما در داخل، برای صیانت از منابع عمومی و بازگرداندن حقوق مردم، گاه سال‌ها زمان لازم است تا پرونده‌های شکل بگیرد و به مرحله اقدام قضایی برسد؟

این پرسش البته نباید به معنای نادیده گرفتن تلاش دستگاه قضایی یا متهم کردن افراد بدون حکم قطعی باشد. اتفاقاً نقطه اصلی نقد همین جاست: ساختار حکمرانی باید به گونه‌ای باشد که پیش از شکل‌گیری فسادهای بزرگ، امکان وقوع آن را محدود کند، نه اینکه پس از انباشته شدن خسارت، تازه وارد میدان شود.

مشکل زمانی جدی‌تر می‌شود که افکار عمومی احساس کند در پشت برخی پرونده‌ها، شبکه‌ای از ارتباطات اقتصادی، اداری و نهادهای وجود دارد که شناسایی و برخورد با آن دشوار است. مردم حق دارند بداندن منابع عمومی چگونه به افراد یا مجموعه‌ها سپرده شده، چه کسی بر عملکرد آنان نظارت کرده و اگر تعهدات اجرا نشده، چرا هشدارهای لازم زودتر فعال نشده‌است. جامعه بیش از هر چیز به شفافیت نیاز دارد، شفافیتی که البته باید در چارچوب قانون، حقوق متهمان و احکام قطعی قضایی باشد. نمی‌توان صرفاً با اعلام رقم‌های بزرگ، اعتماد عمومی را بازسازی کرد. مردم می‌خواهند بدانند فرآیند تصمیم‌گیری چه بوده، مسئولیت هر نهاد کجا قرار داشته و چه خلئی اجازه داده‌است منابعی با این ابعاد برای مدت طولانی از چرخه اقتصادی کشور خارج بماند. این مسئله را باید در کنار پدیده‌های دیگری دید که در ماه‌های اخیر درباره آنها هشدار داده شده‌است. وقتی رئیس پلیس امنیت اقتصادی از کشف ده‌ها هزار میلیارد تومان کالای قاچاق در مدت کوتاه سخن می‌گوید، سؤال فقط این نیست که «چه میزان قاچاق کشف شده‌است؟» سؤال مهم‌تر این است که چرا این حجم از قاچاق اساساً امکان شکل‌گیری پیدا می‌کند؟

اگر مبارزه با قاچاق همچنان عمدتاً به روش‌های سنتی و کشف محموله پس از وقوع جرم متکی باشد، در حالی که دسترسی پلیس و نهادهای نظارتی به برخی سامانه‌های اطلاعاتی با موانعی مواجه‌است، باید پذیرفت که مسئله صرفاً کمبود نیروی انسانی یا ضعف عملیات پلیسی نیست. مشکل می‌تواند در طراحی و اتصال سامانه‌های حکمرانی، تبادل داده و تقسیم مسئولیت میان دستگاه‌ها ریشه داشته باشد.

وقتی اطلاعات مالی، تجاری، گرم‌کی، بانکی، ثبتی و قضایی به‌موقع و هوشمندانه در کنار یکدیگر قرار نگیرند، مبارزه با فساد شبیه جست‌وجوی یک شبکه بزرگ در تاریکی است. پلیس با دستگاه قضایی ممکن است یک حلقه را پیدا کند، اما سرشاخه‌ها همچنان پنهان بمانند. در چنین شرایطی، قانون نیز به جای آنکه پیشگیرانه عمل کند، به ابزاری برای واکنش پس از وقوع خسارت تبدیل می‌شود.

این ناترازی را می‌توان در سطح اجتماعی نیز مشاهده کرد. زیر پوست همین شهر، شهروندانی با بحران‌های اقتصادی، درمانی و معیشتی دست‌وپنجه نرم می‌کنند. وقتی یک خانواده برای تأمین دارو درممانده می‌شود و یک انسان جوان به نقطه‌ای می‌رسد که دست به اقدامی قاچهمبار می‌زند، نمی‌توان این حادثه را صرفاً یک تراژدی فردی دانست. البته هیچ بحران اقتصادی یا اجتماعی، مسئولیت فردی رفتار مجرمانه را از بین نمی‌برد، اما چنین حوادثی زنگ هشدار درباره فشارهایی است که بر روان جامعه وارد می‌شود. در یک سوی جامعه، شهروند برای تهیه دارو یا تأمین هزینه‌های ضروری زندگی گرفتار است و در سوی دیگر، خبر از منابع میلیارد دلاری، پرونده‌های کلان ارزی و شبکه‌های سازمان‌یافته اقتصادی منتشر می‌شود. همین تضاد، احساس بی‌عدالتی را تشدید می‌کند، حتی اگر همه پرونده‌ها هنوز به نتیجه قطعی قضایی نرسیده باشند.

از این منظر، سخن رئیس قوه قضائیه درباره اینکه «همیشه در زمان تغییر و تحول داد و فریاد مفسدین بلند می‌شود» نیز باید از یک زاویه مهم بررسی شود: مبارزه واقعی با فساد زمانی موفق است که هزینه تخلف برای همه یکسان باشد و هیچ فرد یا شبکه‌ای احساس نکند قدرت و ارتباطاتش می‌تواند او را از پاسخجویی مستثنی کند. مسئله اصلی امروز شاید همین باشد: چرا باید برای کشف یک فساد بزرگ، سال‌ها صبر کرد؟ چرا باید میلیارد‌ها دلار یا هزاران میلیارد تومان جابه‌جا شود تا تازه سیستم نظارتی متوجه مسئله شود؟ چرا دستگاه‌های مختلف اطلاعات خود را در اختیار یکدیگر ندارند یا دسترسی‌ها به گونه‌ای طراحی نشده که تخلف در همان مراحل ابتدایی شناسایی شود؟ مبارزه با فساد نباید صرفاً به «دستگیری»، «اعتراض» و «زندان» محدود شود. مبارزه مؤثر با مقسده یعنی بسستن منافذی که فساد از آنها عبور می‌کند. یعنی مسئولیت‌پذیری مدیرانی که نظارت را انجام نداده‌اند، اتصال واقعی سامانه‌های اطلاعاتی، شفافیت‌های بلندپایه و انگاری منابع، کنترل تراش منافع، نظارت بر صاحبان امضای طلایی و مهم‌تر از همه، ایجاد اطمینان عمومی از اینکه قانون برای همه یکسان اجرا می‌شود. اگر ساختار قانونی و نظارتی اصلاح نشود، هر پرونده‌ای که امروز بسته می‌شود، ممکن است فردا با نام و شبکه‌ای تازه تکرار شود. مشکل جامعه فقط «مفسد» نیست، ساختاری است که گاهی به مفسد فرصت می‌دهد برای مدت طولانی مفسده کند. و شاید مهم‌ترین اصلاح از همین جا آغاز شود: به جای آنکه دائماً منتظر افشای فسادهای بزرگ بمانیم، ساختار حکمرانی را چنان اصلاح کنیم که فساد بزرگ اساساً نتواند در تاریکی رشد کند.

دوقلوها با روپوش سفید

سرقتمی کردند!

■ غلامرضا مسکنی

دو برادر دوقلو سابقه‌دار که با پوشیدن روپوش پزشکی و معرفی خود به عنوان کارکنان اداره بهداشت، به بهانه اجرای طرح واکسیناسیون سالمندان وارد خانه افراد تنها می‌شدند، پس از سرقت طلا و اموال بارزش، قربانیان خود را دست‌وپا بسته رها می‌کردند. دو متهم سابقه‌دار سرانجام در جریان تحقیقات پلیس شناسایی و دستگیر شدند. اواخر آذرماه سال گذشته، زن جوانی وحشت‌زده با پلیس تماس گرفت و از دستبرد سارقان به خانه پدرش خبر داد. مأموران پس از حضور در خانه‌ای در یکی از خیابان‌های شمال پایتخت، با مرد سالخورده‌ای روبه‌رو شدند که دست‌وپا بسته و مجروح بود. بررسی‌های اولیه نشان داد دو مرد ساعتی قبل با پوشیدن روپوش سفید و در دست داشتن کیف‌های پزشکی، خود را از کارکنان اداره بهداشت معرفی کرده و مدعی شده بودند برای اجرای طرح واکسیناسیون سالمندان به خانه آمده‌اند. مرد سالخورده نیز که تصویری کرد آنها مأموران بهداشت هستند، در راه رویشان باز کرده‌بود. او مرد پس از ورود، به صاحبخانه حمله کرده و او را مورد ضرب و جرح قرار داده بودند. آنها سپس دست‌وپای مرد تنها را بسته و با تهدید وی را مجبور کرده‌بودند در گاو صندوق را باز کند.

دختر این مرد به مأموران گفت: «پدرم تنها زندگی می‌کند و من و دیگر فرزندان‌ش هر روز به او سر می‌زنیم. لحظاتی قبل به خانه‌اش آمدم، اما هرچه زنگ زدم در را باز نکرد. با کلید یدک وارد خانه شدم و دیدم همه وسایل به‌هم ریخته

است. صدای ناله‌های پدرم را از اتاق شنیدم. وقتی وارد اتاق شدم، دیدم دست‌وپا بسته‌است. دست و پای او را باز کردم و متوجه شدم سارقان پس از سرقت، او را همان‌جا رها کرده‌اند.» مرد سالخورده نیز درباره حادثه گفت: «پس از فوت همسر من تنها زندگی می‌کنم. ساعتی قبل زنگ خانه به صدا درآمد و دو مرد را دیدم که روپوش سفید پزشکی پوشیده و کیف تجهیزات پزشکی همراه داشتند. آنها گفتند از کارکنان اداره بهداشت هستند و برای واکسیناسیون سالمندان آمده‌اند. به آنها اعتماد و در را باز کردم، اما نمی‌دانستم سارق هستند.»

وی افزود: «به محض ورود، مرا کتک زدند و دست‌وپایم را بستند. بعد با تهدید مجبورم کردند در گاو صندوق را باز کنم. آنها بیش از ۵۰۰ گرم طلا، مقداری دلار و پول برداشتند و در حالی که هنوز دست‌وپایم بسته بود، از خانه فرار کردند.»

■ شکایت مشابه

با ثبت شکایت، پرونده به دستور باز پرس دادسرای ویژه سرقت در اختیار کارآگاهان پلیس آگاهی قرار گرفت و تحقیقات برای شناسایی سارقان آغاز شد. در حالی که بررسی‌ها ادامه داشت، کارآگاهان با شکایت مشابه دیگری روبه‌رو شدند. این بار نیز دو مرد با پوشیدن لباس پزشکی و معرفی خود به‌عنوان مجریان طرح واکسیناسیون سالمندان، وارد خانه زن میانسالی شده و پس از سرقت بیش از ۲۵۰۰ گرم طلا، پول و وسایل بارزش، از محل گریخته بودند. شباهت شیوه سرقت‌ها نشان می‌داد هر دو حادثه از سوی یک باند انجام شده‌است. کارآگاهان برای شناسایی سارقان، تحقیقات شخصی خود را آغاز کردند.

■ سرخ چشم‌های آبی

در جریان تحقیقات، زن میانسال سرخ‌مهمی

در اختیار پلیس قرار داد. او گفت هر دو سارق چشم‌های آبی و شباهت ظاهری زیادی به یکدیگر داشتند. حتی یکی از آنها هنگام صحبت، دیگری را به اشتباه «برادر» خطاب کرده بود. این زن همچنین گفت قد و هیکل دو مرد تقریباً یکسان بود و با وجود اینکه ماسک به صورت داشتند، زخم روی پیشانی یکی از آنها را به خاطر سپرده بود.

کارآگاهان با کنار هم گذاشتن این سرنخ‌ها و بررسی آلبوم مجرمان سابقه‌دار، به دو برادر دوقلو به نام‌های «هنام» و «پرهام» رسیدند؛ دو متهم سابقه‌داری که مشخصات ظاهری آنها با اظهارات شاکی مطابقت داشت.

■ اعتراف دوقلوها

با شناسایی دو برادر، عملیات دستگیری آنها در دستور کار قرار گرفت و مأموران چند روز قبل موفق شدند هر دو متهم را بازداشت کنند. دوقلوهای سابقه‌دار در نخستین تحقیقات منکر سرقت‌ها شدند، اما پس از مواجه‌شدن با مدارک و شواهد موجود، سرانجام به سرقت از خانه دو زن و مرد تنها با استفاده از پوشش پزشکی و بهانه اجرای طرح واکسیناسیون اعتراف کردند. تحقیقات از دو متهم برای شناسایی سایر جرائم احتمالی و شکایان احتمالی ادامه دارد.

■ ایده‌ای تازه در زندان

بهنام، یکی از دو برادر دوقلو که چند ثانیه از پرهام بزرگ‌تر است، در جریان بازجویی‌ها مدعی شده ایده این شیوه سرقت را زمانی که در زندان بوده، طراحی کرده است. او گفت پس از آزادی، این نقشه را با برادر دوقلوش در خارج از زندان اجرا کرده‌اند.

■ بهنام، چند سابقه داری؟

من و برادرم سال‌هاست که با هم سرقت می‌کنیم. بارها دستگیر شده‌ایم و چند مرتبه هم به زندان رفته‌ایم. الان دقیق یادم نیست



چند بار زندان بوده‌ام.

■ چه شد که سارق شدید؟

رفت‌وآمد با دوستان ناباب و از طرفی هم وسوسه اینکه زود به پول و ثروت برسیم و خوشگذرانی کنیم، باعث شد وارد این راه شویم.

■ قبلاً هم به همین شیوه سرقتمی می‌کردید؟

نه. ما تقریباً هر نوع سرقتی را تجربه کرده‌ایم و در پرونده‌هایمان انواع مختلف سرقت ثبت شده‌است؛ از سرقت خودرو و خانه گرفته تا مغازه و لوازم داخل خودرو، اما این بار زمانی که در زندان بودیم تصمیم گرفتیم شیوه سرقت‌هایمان را تغییر دهیم. چون در محله و بین سارقان شناخته شده بودیم و هر سرقتی که اتفاق می‌افتاد، پلیس به سراغ من و برادرم می‌آمد. از طرف دیگر، سرقت‌های قبلی ریسک زیادی داشت؛ مثلاً برای ورود به خانه باید قفل را می‌شکستیم یا برای سرقت خودرو احتمال دستگیری زیاد بود. اما این شیوه به نظرم کم‌ریسک‌تر بود و بدون اینکه کسی شک کند، وارد خانه می‌شدیم و سرقت می‌کردیم.

■ چه شد که این شیوه به ذهنت رسید؟

این فکر از دوران کرونا به ذهنم رسید، اما فرصتی برای اجرای آن نداشتیم. مدتی در زندان بودیم و منتظر بودیم آزاد شویم تا بتوانیم نقشه‌مان را اجرا کنیم.

■ نطمه‌ها یتمان را چطور شناسایی می‌کردید؟

معمولاً چند روزی یک خانه یا پارتمان را زیر نظر می‌گرفتیم. وقتی مطمئن می‌شدیم زن یا مردی تنها در آنجا زندگی می‌کند، به بهانه اینکه از طرف اداره بهداشت برای واکسیناسیون آمده‌ایم، وارد خانه می‌شدیم.

■ از کجا می‌فهمیدید در خانه آنها پول و طلا وجود دارد؟

از وضعیت ظاهری افراد و خانه‌ای که در آن زندگی می‌کردند، حدس می‌زدیم که ممکن است

پول و طلا داشته باشند.

■ هیچ‌وقت فکر نمی‌کردید در جریان درگیری، قربانی جان‌ش را از دست بدهد؟

نه. هدفمان فقط این بود که آنها را برسانیم تا طلا و پولشان را در اختیارمان قرار دهند. معمولاً

دست و پایشان را می‌ستیم و کتک‌کاری شدیدی انجام نمی‌دادیم.

گرم‌برای تصاحب ساختمان ۶۰۰ میلیاردی



مستندات پلیس به جرائم انشعایی اعتراف کردند و پس از تکمیل تحقیقات، با صدور قرار تأمین کیفری مناسب روانه زندان شدند.

جای مالک اصلی معرفی کند و با مراجعه به دفاتر خدمات الکترونیک قضایی، شماره تلفن ثبت‌شده مالک در سامانه ثنا را تغییر دهد؛ اقدامی که می‌توانست مسیر اجرای مراحل بعدی برای تصاحب ملک را هموار کند.

در شاخه دیگری از تحقیقات معلوم شد برخی اعضای این شبکه پس از اطلاع از تحقیقات پلیس به نقاط مرزی کشور متواری شدند، اما کارآگاهان با اقدامات اطلاعاتی و رصد شبانه‌روزی، محل اختفای متهمان و سرنخ‌های ارتباطی آنان را شناسایی و در نهایت، اعضای باند طی چند عملیات هماهنگ در نقاط مختلف تهران دستگیر شدند.

بررسی‌های پلیس همچنین نشان داد سرکرد این شبکه در پوشش مشاور املاک غیرمجاز فعالیت می‌کرد. او با شناسایی املاک بارزش، مهره‌های مورد نیاز را انتخاب و مراحل مختلف عملیات را طراحی می‌کرد. کارآگاهان همچنین با بررسی ارتباطات اعضای باند و ردیابی تراکنش‌های مالی مرتبط با اقدامات مجرمانه، مستندات دیگری از فعالیت این شبکه به دست آوردند.

متهمان پس از دستگیری و مواجهه با مدارک و

یک باند حرفه‌ای جعل اسناد و کلاهبرداری با استفاده از جعل و کالت‌نامه، تغییر چهره و جعل هویت مالک قصد تصاحب یک مجتمع مسکونی به ارزش ۶۰۰ میلیارد تومان را داشتند که با اقدامات تخصصی پلیس آگاهی تهران منهدم شد.

به گزارش «جوان»، سرهنگ کارآگاه‌امین اله بیرانوند، رئیس پایگاه چهارم پلیس آگاهی تهران بزرگ گفت: بعد از مطرح شدن شکایت با موضوع کلاهبرداری برای تصاحب یک ساختمان ۶۰۰ میلیاردی با جعل سند، کارآگاهان با بررسی اسناد و مدارک، در یافتند ماجرا تنها به جعل یک وکالت‌نامه محدود نیست و شبکه‌ای سازمان‌یافته برای تصاحب املاک بارزش در پشت‌این پرونده قرار دارد. تحقیقات نشان داد اعضای باند با نفوذ به یکی از دفاتر اسناد رسمی و تسلیم یکی از کارکنان، مقدمات جعل وکالت‌نامه ملکی را فراهم کرده بودند. اما بخش عجیب‌تر نقشه زمانی آشکار شد که کارآگاهان در یافتند اعضای باند فردی با شباهت ظاهری به مالک اصلی ملک را شناسایی کرده و با استفاده از خدمات یک گرمور حرفه‌ای، چهره او را تغییر داده بودند.

قرار بود این فرد پس از تغییر چهره، خود را به

هشدار درباره عادی‌سازی اعتیاد در شبکه نمایش خانگی

یک مدرس دانشگاه و کارشناس علوم ارتباطات نسبت به عادی‌سازی مصرف مواد مخدر در آثار شبکه نمایش خانگی هشدار داد و تأکید کرد که نحوه بازنمایی این آسیب اجتماعی می‌تواند نگرش نوجوانان و جوانان را تحت تأثیر قرار دهد.

به گزارش «جوان»، احمد کارخانه با اشاره به اینکه رسانه‌ها تنها بازتاب‌دهنده واقعیت نیستند، گفت: زمانی که مصرف مواد در آثار نمایشی در کنار شخصیت‌های محبوب و جذاب، به‌عنوان راهی برای فرار از مشکلات، کسب پرستیژ یا نمایش عصیان‌گری نشان داده شود، ممکن است قبح مصرف در ذهن مخاطب کاهش پیدا کند. وی رمز میزان بازنمایی واقعیت و عادی‌سازی آسیب را در نحوه روایت دانست و افزود: اگر مصرف مواد در داستان برای شخصیت پیامد مثبت و «پادشاد دراماتیک» ایجاد کند، اثر

می‌تواند به سمت عادی‌سازی پیش برود؛ اما نمایش واقعی پیامدهای جسمی، روانی و اجتماعی اعتیاد می‌تواند به بازنمایی مسئولانه این آسیب کمک کند. این مدرس دانشگاه خواستار حرکت از «میمیزی صرف» به سمت دراماتوزی سلامت‌محور شد و گفت: پلتفرم‌های نمایش خانگی باید در کنار جذابیت هنری، مسئولیت اجتماعی خود را نیز در نظر بگیرند. کارخانه همچنین بر تقویت سواد رسانه‌ای و نقش خانواده‌ها تأکید کرد و گفت محدودسازی به‌تنهایی کافی نیست؛ والدین باید با گفت‌وگوی فعال و طرح پرسش‌های تحلیلی، به فرزندان کمک کنند محتوای رسانه‌ای را با نگاه انتقادی ببینند. وی پیشنهاد کرد در مرحله پیش‌تولید آثار نمایشی، از ظرفیت متخصصان علوم ارتباطات، روان‌شناسی و جامعه‌شناسی استفاده شود تا ضمن حفظ خلاقیت هنری، از تبدیل بازنمایی آسیب‌های اجتماعی به ترویج و عادی‌سازی آنها جلوگیری شود.



دعای والیبال به قتل جوان ۱۸ ساله ختم شد

یک درگیری لفظی میان دو جوان هنگام بازی والیبال در شمال اصفهان، با کشیده‌شدن ماجرا به نزاع فیزیکی، به مرگ جوان ۱۸ ساله و دستگیری متهم انجامید.

سرهنگ حسن علی‌اکبری، رئیس پلیس آگاهی استان اصفهان گفت: دو روز قبل مأموران پلیس بعد از دریافت گزارش درگیری در یکی از محله‌های شمال شهر در محل حاضر شدند. بررسی‌های اولیه نشان داد مقتول که جوانی ۱۸ ساله بود، هنگام بازی والیبال بر سر مسائل مربوط به مسابقه با فرد دیگری وارد مشاجره لفظی شده‌است. این اختلاف در ادامه از بحث و مشاجره فراتر رفت و به درگیری فیزیکی انجامید. متهم در جریان این درگیری، صدماتی به جوان ۱۸ ساله وارد کرد که در نهایت به فوت او در محل حادثه منجر شد. بعد از آن متهم از محل متواری شد. هم‌زمان با انتقال جسد به پزشکی قانونی، تحقیقات برای شناسایی وی به جریان افتاد و چند ساعت بعد وی در شهرستان بوئین و میاندشت بازداشت شد. متهم در جریان بازجویی‌ها گفت در جریان بازی والیبال با مقتول مشاجره کرده و حادثه خونین را رقم زده‌است.